

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دردت عفو شد  
بمنوعه صحت بهشت  
گر خیال جان همی هستی ال چایا  
چرخ سز اولی و الله است  
خجسته اولی و الله است

ورثه جان و پسراری ساویم  
بیار خورشید  
ببر بخت کین

مفوت به لیت  
لیکن آله خورشید  
طلب  
رسم ره اینست که وصل خدا داری  
خاک زینت کلام

ورن باشی مرد این سرد و رشور خمیزار  
بیار خورشید  
ببر بخت کین

سوره مبارکه  
الاحقاف  
مکمل

تفصیلاً  
مبین

سید ابوالحسن  
موسوی خراسانی  
قدس سره

پیغمبر محمد صلی الله علیه و آله  
 و آله و سلم  
 و آله و سلم

مدینه منوره  
 سنه ۱۰۰۰  
 شهر رجب  
 یوم پنجشنبه  
 روز ۱۰

# آثار و احوال بعض از خوشنویسان بهائیان

## امان الله - موقن

جناب امان الله موقن در سال ۱۳۰۲ شمسی در شیراز متولد شدند. در سالهای نوجوانی به همراه عاقله به اصفهان نقل مکان کردند و تحصیلات متوسطه را در این شهر انجام دادند. سپس بطهران منتقل شد و از دانشکده حقوق به اخذ لیسانس نائل گردیدند. ایشان متجاوز از ۲۴ سال به هنر آموزشی خط و تدریس ادبیات فارسی در دبیرستانهای طهران و دیگر سمت های آموزشی اشتغال داشتند. از سال ۱۳۴۰ در لجنه ملی نشر آثار امری ایران (با شرکت جناب شاهقلی منشی محفل ملی) عضویت یافتند و خدمات مطبوعاتی امری و تحریر آیات و آثار مبارکه را آغاز کردند و سالها در طهران باین خدمت گرانقدر قائم بودند و اکنون نیز در اروپا آنرا ادامه میدهند که متجاوز از ۲۰ جلد آثار امری از جمله: منتخبات آثار حضرت بهاء الله - نار و نور - لوح ابن نثب - گوهر یکتا - دور بهائی - بهائیه خانم و بسیاری از رسالات و آثار نویسندگان و شعراء بهائی را میتوان ذکر کرد.

جناب موقن از سال ۱۳۴۸ شمسی بمدت ده سال تصدی بقتدر محفل ملی ایران را (در سالهای که جنابان روحی ارباب - دکتر داودی و قائم مقامی علیهما رضوان الله منشی محفل بودند) بعهده داشتند. از سال ۱۹۷۹ باتفاق عاقله به فرانسه هجرت کردند. آثار خطاطی ایشان در مجله (پیام بهائی) و سایر کتب و جزوات امری مطبوع و منتشر است.

### مقدمه اول:

در مورد هنر خوشنویسی بطور کلی و خطوط فارسی که بیش از تمام خطوط اقوام و ملل دنیا پر جذبه و زیبا و تحسین آفرین است بسیاری از شخصیت ها و محققین و دوستان ارادان ایرانی و خارجی به تحقیق و مطالعه پرداخته و با نکت و حوصله بسیار سعی کرده اند رمز و راز این زیبائیهها را بشناسند و از اسرار آن آگاه شوند.

نکته اصلی و قابل مطالعه تغییرات و تحولات زیبائی در خطوط ایرانی در طول قرون و اعصار است و خیلی به وضوح و روشنی میتوان حرکت خلاق و ذهن هنرمند ایرانی را در سیر تاریخ مشاهده نمود. هنرمند ایرانی با ابداع خط نستعلیق و پس از آن شکسته نستعلیق تازه ترین

تغییر را بنا نهاده و سهم حقیقی و برانزنده خود را ایفاء نموده است. چنانچه خط نستعلیق را استادان خط از دقیق ترین و زیباترین و مشکل ترین هنرها به شمار آورده اند.

این اشاره نیز ضروری است که هنر خوشنویسی به اقسام هفت گانه از قبیل: ثلث، توقیع، محقق، ریحان، رقاع و بعد تعلیق و شکسته تعلیق و همچنین خط نستعلیق که از دو خط نسخ و تعلیق به وجود آمده یا همت ایرانیان و با استفاده از الفبای خط پهلوی به وجود آمده است و این مقله (۱) وزیر ایرانی خلیفه المستعصم بالله به ابداع و ابتکار آنها دست زد و تاریخ این حادثه تأثر آور و جانگداز را ثبت کرده است که به علت همین نبوغ در وضع خطوط و قواعد آن، با سعایت بدخواهان و حاسدان دست راست او را قطع کردند و او پس از مدتی قلم را به بازوی راست خود بست و به همان زیبایی اول تحریر نمود.

این مقله اول کسی است که مبتدع و مخترع رسم خط بدیع است و از این رو نام نیکویش در دایره حیات تا دامن قیامت باقی است. (کشف الظنون - به نقل تذکره خوشنویسان دهلوی)

نکته ای که در این مقدمه مناسب است درباره آن گفتگو شود زیبایی است یعنی در هر اثر هنری که هنرمند خلاق و نابغه ایجاد و ابداع مینماید حالت و کیفیتی نهفته است که انسان را به تأمل و تفکر و گاهی به حیرت و افسون میکشاند یا آن حالت را اگر اجمالاً زیبایی بنامیم، درک میشود ولی وصف آن ممکن نیست و یا بقول حافظ آبی وجود دارد که همه بنده آن میشوندند: بندها طلعت آنیم که آبی دارد.

گفتار دو تن از دانشمندان و بزرگان ایران را شاهد این مقال قرار میدهیم:

۱ - امام محمد غزالی از دانشمندان و بزرگان دوره سلجوقی (۴۰۵ - ۵۰۵ ق.ه) در کیمیای سعادت گوید:

بدان که ایزد تعالی را سریست در دل آدمی که آن در وی همچنان پوشیده است که آتش در آهن - پس همینکه زخم سنگ بر آهن رسد، از آن آتش جهد و سر آتش را آشکار گرداند.

اصل حسن و جمال متناسب است و هر چه متناسب است نمودگاری از جمال آن عالم - زیرا هر چه جمال و حسن و تناسب که در این عالم محسوس است همه ثمره جمال و حسن آن عالم است - و آنچه حسن و جمال و تناسب است آن گوهر آدمی را به هیجان آرد و در وی چیزی پدید آورد بی آنکه آدمی را در آن اختیاری باشد و سبب آن مناسبتی است که گوهر دل آدمی را با عالم علوی که در عالم ارواح گویند، هست و عالم علوی عالم حسن و جمال است.

۲ - عبدالرحمن جامی شاعر و دانشمند قرن نهم گوید:

جمیل علی الاطلاق حضرت ذوالجلال و الافضال است - هر جمال و کمال که در جمیع مراتب ظاهر است پرتو جمال و کمال اوست.

---

۱ - ابوعلی محمد بن مقله وزیر المقتدر بالله عباس - وفات سال ۳۲۸ ه.ق.

و همچنین حدیث: ان الله جميل و يجب الجمال ولو بالجماد.  
 بنا بر این هنرمند واقعی و ممتاز کسی است که بتواند این اعتدال و هم آهنگی  
 را که از جمیل علی الاطلاق نشأت گرفته در اثر خود منعکس سازد و بیننده یا  
 شنونده را به آن چشمه لایزال هدایت کند.  
 و مسلم است که تعادل و توازن از دشوارترین و با ارزش ترین صفات و ملکات  
 آدمی است و آنهایی که به خردمندی و دانائی مثل شده اند و نمونه کامل استواری  
 رفتار و گفتار و اندیشه به شمار میروند این فضیلت را داشته اند که از هر گونه  
 زیاد روی پرهیز کرده اند.  
 و در خاتمه اضافه میشود که: بدست آوردن شأن و مرتبتی تا موجب شود  
 شاهکاری بی نظیر به وجود آید و در طول قرنها و شاید تا ابد مورد تحسین و  
 تقدیر قرار گیرد و سرمشق کامل برای دیگر هنرمندان باشد به آسانی بدست  
 نیاید و این موهبت به هر کس ارزانی نمیگردد:  
 گوهر پاک ببايد که شود قابل فيض -ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود

### مقدمه دوم:

چندی پیش مؤسسه عالی معارف بهائی به این عبد امر فرمودند تا جزوه یا  
 تذکره ای در شرح حال خوشنویسان بهائی تهیه و تنظیم نمایم. از آنجائیکه بنظر  
 میرسید برای تهیه مدارک و آثاری از خوشنویسان احتیاج به کسب اطلاع و  
 مساعدت مرکز جهانی وجود دارد لهذا عریضه ای در این مورد تقدیم گردید که در  
 دارالانشاء و بیت العدل اعظم در جواب چنین مرقوم داشته اند: (دستخط ۱۲  
 ژانویه ۱۹۸۷)

شرح احوال و مطالعه آثار خوشنویسان بهائی... مشروعی مهم، وسیع و  
 دقیق است که اطلاعات و سوابق موجود در باره جنبه های مختلفه آن باید به  
 تدریج جمع آوری و مورد مطالعه و تحقیق مجدانه قرار گیرد.  
 در ضمن همین رقیمه شریفه شرح احوال و آثار خوشنویسانی چون مشکین  
 قلم، زین المقرین، محب السلطان، عندلیب لاهیجی، نعیم سدهی، محمود زرقانی و  
 طرار الله سمندری را برای شروع کار کافی دانسته اند.  
 پس از دریافت این جواب و احساس وظیفه ای سنگین، با عده ای از صاحب  
 نظران و دوستان مکاتبه نمودم و جوابهائی دریافت داشتم:  
 از جمله جناب ابوالقاسم افغان در نامه مورخ ۱۶ فوریه ۱۹۸۷ مرقوم  
 داشته اند:

این عده معدود که دارالانشاء بیت العدل اعظم مرقوم فرموده اند از  
 خوشنویسان دوره میثاق هستند لکن از ایام حضرت اعلی بسیاری از مؤمنین  
 بوده اند که خوشنویس و ممتاز بوده اند مثل:  
 - حاج میرزا حسن خراسانی (که حسب الامر حضرت اعلی کتابت مینمود...  
 احتمالاً کتاب صحیفه مخزونه که با خط طلا نوشته شده و در محفظه آثار است خط  
 حاج میرزا حسن است.)

- مرحوم ملا عبدالله زرقانی فاضل ملقب به رفیع بدیع که جمیع خطوط را خوب مینوشته.

- ملا احمد ارسنجانی که خطوطش معروف است.

مرحوم آقا میرزا یحیی خان تشویق که خط نستعلیق را به احسن وجه مینوشت.

و دیگر مرحوم آقا میرزا رکاب ساز که صفحه اول کتاب ایقان را که نوشته است، در کتاب بهاءالله تألیف جناب بالیوزی چاپ شده است.

همچنین سرکار خانم ملیح بهار و جناب موسی امانت و دوستان دیگر در ضمن رقائم خود از خوشنویسان دیگری نام برده اند که تهیه و تنظیم شرح احوال آنان مستلزم صرف وقت بسیار و مکاتبات بی شمار به اطراف و اکناف است. و بالاخره پس از مدتی مطالعه و تأمل باین نتیجه رسیدم که حتی شرح احوال و آثار خوشنویسانی که در دستخط دارالانشاء بیت العدل اعظم به آن اشاره شده به آسانی و جامعیت ممکن نیست چه که از طرفی باید به جنبه های مختلف این تحقیق توجه شود و از طرف دیگر مدارک و اسناد لازم به سهولت فراهم نمیکرد. این توضیح لازم است که شرح حال و تحقیق در مورد هنرمندان و تتبع درباره آثار آنها به دو صورت معمول است:

الف - تهیه و تنظیم تذکره حیات آنها و ارائه نمونه هایی از آثار هنری آنان (سبک متداول در تذکره نگاری قدیم).

ب - بررسی و تحقیق درباره تحولات تکمیلی آثار و خطوط آنها که موارد ذیل را شامل میشود:

- ۱ - روش و شیوهء خطاطی با مقایسه خطوط مشاهیر قبل و شیوهء آنها.
- ۲ - نظر دیگران در ارزیابی کار آنان.
- ۳ - حجم تقریبی کاری که از آنها باقی مانده.
- ۴ - فهرست تفصیلی یا نو آوریهای هر يك از هنرمندان و ابتکارات.
- ۵ - قطعات مشهور آنان و نمونه هایی از شاهکارهای آنها.
- ۶ - بررسی خطوط کتابتی - قطعه و غیره - متون کتبی که از آنها باقی مانده.
- ۷ - مختصات خط نویسی هر يك که او را از دیگران ممتاز و مستقل ساخته است.

و هر کدام از این دو شیوه معایب و محاسنی دارد که در طریقه اول خواننده را قانع نمیسازد و در طریقه دوم مردم روزگار ما حوصله مطالعه و تعقیب آنرا ندارند. و با این توضیحات مبنای کار را بر اختصار و استفاده از مدارک و منابع موجود گذاشتیم و تأمل و تأخیر بیش از این را جائز ندانست، به این امید که دوستان علاقمند و خانواده های متفرق در اطراف و اکناف مرا در این سبیل یاری کنند و مدارک و اسناد تاریخی که در عاقله بازماندگان به امانت باقی مانده پیش از آنکه حوادث زمان آنها را از دسترس همه ما خارج سازد سواد عکسی تهیه و ارسال دارند تا در سلسله جزواتی که در آینده انتشار مییابد مورد استفاده قرار



در این دور مبارک که : "عظمت این یوم و عظمت ظهور عظمت آیات و عظمت کلمه و عظمت استقامت و عظمت شأن و مقام... (۱) آنرا از ظهورات قبل ممتاز نموده و : روح جدید معانی به امر امر حقیقی در اجساد و الفاظ دمیده شده... (۲) خوب است از توجه و علاقه حضرت نقطه اولی جل ذکره الاعلی و همچنین سابقه این التفات و مهارت در عاقله مبارک حضرت بهاء الله سخنی بمیان آید: (۳) در آثار حضرت باب آمده که فرضی است بر خوشنویس که خط آن بلا عدل باشد و هزار آیه نوشته و وصیت کند که برسانند به سوی نقطه:

و من یکن له خط لم یکن له عدل فی ایامه فلیکتبن الف آیه لله و لیسو صین بان یوصلن الی النقطه لیجزیه اله یوم القیامه برحمته انه بکل شیئی علیم (۴) (صحیفه بلاسم)

در باب هفدهم از واحد سوم بیان چنین آمده:

واذن داده نشده که احدی حرفی از حروف بیان را بنویسد الا به احسن خط و احسن از برای نفسی در حد او است نه در حد فوق او (آن) و نه در حد دون آن. در باب اول از واحد هفتم آمده:

و هر حرفی که بصورت محبوب نوشته ملائکه دوست می دارند که بر او نظر کنند بل در هر شیئی چنین مشاهده کن و همچنین برعکس و در بیان هیچ شیئی را ظاهر مکن الا بر علو صنع و کمال.

و مراتب خطوط مراتب اسم واحد است اول خط ابهی و آخر اعلی و مابینهما به درجات ذکر و گویا مشاهده میشود در ظهور که صاحبان ادراک بهم میرسند که نوزده قلم را شیرین نویسند ولی کمال در یکی بهتر از اقتران است و استکمال در کل علو کمال است اگر مقرون گردد به رضای محبوب ازل و مقصود لم یزل.

در کتاب حضرت نقطه اولی تألیف جناب محمد علی فیضی توضیحات ذیل را نقل به معنی از تاریخ حاج معین السلطنه میخوانیم:

... بدیع آفرین خوشنویس معروف تبریز که بیشتر خطوط مخصوصاً نستعلیق را بسیار نیکو مینوشته است پس از تشریف به حضور مبارک حضرت اعلی مؤمن گردید و علت ایمان خود را چنین بیان داشته است که: من خویشتر را در کنار و بیطرف قرار داده و میکویم که اگر میرعماد که در خط نستعلیق استاد مسلم است و درویش عبدالمجید که در خط شکسته مهارت داشته و یاقوت و احمد نیریزی که در خط ثلث و نسخ ید طولانی دارند حاضر میشدند، جز ایمان و اعتراف بر قصور و عجز خویش چاره ای نداشتند زیرا که خط نوشتن این سید از قوه بشر خارج

۱ و ۲ - از آثار مبارکه حضرت بهاء الله (در مجموعه ۱۷ لوح).

۳ - سابق مربوط در جزوه کامل خوشنویسان بهائی درج گردیده است.

۴ - نقل از کتاب آئین باب - نگارش : ع. ف .

است که خط را به این سرعت بنویسد و قواعد را نیز از دست ندهد و خوب بنویسد بجهت اینکه از شرایط خوب نوشتن با تأنی نوشتن و بطی القلم بودن است.

همچنین در صفحه ۳۸۲ همین کتاب این مطالب مذکور است:

ملاً حسین بشرویه ای خود حکایت نموده است: "...سرعت در تحریر بدون تفکر توأم با نظم و ترتیب و اسلوب عبارات و کلمات و استحکام مطالب و بیان حقایق با خوبی و زیبایی خط که اکثر شیوه شکسته نستعلیق را به کار میبردند توأم گشته و در حالیکه ابداء قلم خوردگی و تصحیح صورت نگرفته و مطالب تکرار نکشته تمام جملات مختصر و مفید بدون تکلف و اغلاق در نهایت سادگی است و هر یک از آن کلمات و جملات جلوه گاه این حقیقت متعالیه است که ندای آن حضرت ندای الهی و کلماتش به وحی سماوی است که جمیع انبیاء و رسل از قبل بدان اشارت داده بودند و این اثر و نفوذ کافی است که هر بیننده و شنونده ای را خاضع و خاشع نماید.

حضرت اعلی در کتاب بیان عربی خط شکسته را تجید فرموده آنرا باب الخطوط نامیده اند.

صفحه ای از سیاه مشق آن حضرت که در سنین صباوت در مکتب شیخ عابد مرقوم داشته و نهایت ملاحظ و استواری در آن به چشم میخورد و همچنین یکی از توقیعات آن حضرت که بعد از اظهار امر خطاب به یکی از حروف حی صادر شده شاهد این مدعاست.

حالا پس از این دو مقدمه کوتاه به شرح حال یکی از خوشنویسان بهائی می پردازیم:

### جناب مشکین قلم

زیباترین و بهترین تصویری را که از جناب مشکین قلم میتوان ارائه داد، شرحی است که حضرت عبدالبهاء در تذکره الوفاء آورده اند:

و از جمله مهاجرین و مجاورین و مسجونین خطاط شهیر میرعماد ثانی (۱) حضرت مشکین قلم است. قلم مشکین بود و جبین روشن به نور مبین. از مشاهیر عرفا و سرطلقه ظرفا بود. این عارف سالك صییتش به جمیع ممالک رسید. در ایران سرور خطاطان بود و معروف در نزد بزرگان. در طهران در نزد وزراء و امناء مکانت مخصوصی داشت و بنیان مرصوصی گذاشت و در روم شهیر هر مرز و بوم بود و جمیع خطاطان حیران از مهارت قلم او زیرا در جمیع خطوط ماهر بود و در کمالات نجمی باهر.

این شخص کامل صییت امرالله را در اصفهان شنید لهذا عزم کوی جانان نمود. مسافات بعیده طی کرد و دشت و صحرا پیمود و از کوه و دریا گذشت تا

---

۱ - شرح حال مختصر میر عماد در مجموعه کامل خوشنویسان بهائی آمده است.

آنکه به ارض سر وارد شد و به منتهی درجه ایمان و ایقان واصل گشت. صهباى اطمینان نوشید و ندای رحمن شنید. به حضور مشغول یافت و به اوج قبول عروج نمود. سرمست بادهء عشق گردید و از شدت وله و شوق سرگشته و سرگردان گشت، آشفته و سوداى شد و سرگشته و شیدانى گردید.

مدتی در جوار عنایت به سر میبرد و هر روز مورد الطاف جدید میشد و به تزئین و تنمیق قطعه های رنگین میپرداخت و اسم اعظم و یا بهاء الابهی را به اشکال مختلفه در غایت اتقان مینگاشت و به جمیع آفاق میفرستاد. پس مأمور سفر به اسلامبول گردید و با حضرت سیاح همراه شد، چون به آن مدینه عظمی رسید در بدایت جمیع بزرگان ایرانی و عثمانی کل نهایت احترام مجری داشتند و شیفته خط مشکین او گردیدند. ولی لسان بلیغ کشاد و بی محابا به تبلیغ پرداخت، سفیر ایران در کمین بود حضرت مشکین را در نزد وزراء متهم به این نمود که این شخص از طرف حضرت بهاء الله بجهت فساد و فتنه و ضوضا به این مدینه کبری آمده جمعی را مسخر نموده و به انواع تدبیر باز به تسخیر مشغول است. این بهائیان ایران را زیر و زیر نمودند حال به پایتخت عثمانیان پرداختند. دولت ایران بیست هزار نفر طعمه شمشیر کرد تا به تدبیر این نادره فساد را بنشانند، حال شما بیدار شوید عنقریب آتش فساد شعله زند و عاقبت خرمن سوز بلکه جهانسوز گردد و چاره از دست برود.

و حال آنکه آن مظلوم در پایتخت روم مشغول به خوشنویسی و معروف به خدا پرستی بود، در اصلاح میکوشید نه در فساد در الفت بین ادیان سعی مینمود نه کلفت بین مردمان، غریبان را مینواخت و به ترتیب اهل وطن میپرداخت بیچارگان را ملجاء و پناه بود و فقیران را کنج روان به وحدت عالم انسانی دعوت مینمود و از بغض و عداوت بیزار بود.

ولی سفیر ایران نفوذ عظیم داشت و با وزراء روابط خصوصی قدیم. جمعی را بر آن داشت که در مجالس و محافل داخل شوند و هر نسبت به این طایفه دهند. جواسیس به تحریک عوانان از هر طرف احاطه به جناب مشکین نمودند و به تعلیم سفیر لوانحی به صدر اعظم تقدیم کردند که این شخص شب و روز به تحریک فساد مشغول طاغی و باغی است و عاصی و یاغی این بود که جناب مشکین را مسجون نمودند و به گالیپولی فرستادند و با این مظلومان همداستان شد او را به قبرس فرستادند و مارا به سجن عکا. در جزیره قبرس در قلعه ماغوسا محبوس گردید و از سنه ۸۵ تا ۹۶ در ماغوسا مسجون و اسیر بود.

و چون قبرس از دست عثمانیان برفت حضرت مشکین قلم از اسیری رهایی یافت و آهنگ کوی دوست در مدینه عکا نمود و در ظل عنایات ایام بسر میبرد و به تزئین و تنمیق لوحه های مکمل میپرداخت و به اطراف میفرستاد و شب و روز در نهایت روح و ریحان مانند شمع به نار محبت الله میکداخت و جمیع یاران را تسلی خاطر بود و بعد از صعود حضرت مقصود در نهایت ثبوت و رسوخ در عهد و میثاق محکم و متین بود و مانند سیف شاهر بر رقاب ناکثین ابدأ مدارا نمیدانست و لغیر الله محابا نمیکرد و دقیقه ئی در خدمت فتور نداشت و در هیچ

موردی قصور نمی نمود.

بعد از صعود سفری به هندوستان نمود و در آنجا با حقیقت پرستان آمیزش کرد ایامی به سر برد و هر روز همتی جدید - چون خبر ناتوانی او را به این عبد رسید فوراً او را احضار نمودم. مراجعت به این سجن اعظم کرد یاران شادی نمودند و کامرانی کردند شب و روز همدم و همراز بود و هم نغمه و هم آواز، حالت غریبی داشت و انجذاب شدیدی جامع فضائل بود و مجمع خصائل مؤمن و موقن و مطمئن و منقطع بود. بسیار خوش مشرب و شیرین سخن و اخلاق مانند بوستان و گلشن ندیم بی نظیر بود و قرین بی مثل در محبت الله از هر نعمتی گذشت و از هر عزتی چشم پوشید راحت و آسایش نخواست ثروت و آلایش نجست به این جهان تقیدی نداشت و شب و روز خویش را بر تتبل و تضرع میگماشت همیشه بشوش بود و در جوش و خروش محبت مجسم بود و روح مصور در صدق و خلوص بی نظیر بود و در صبر و سکون بی مثل بکلی فانی بود و به نفس رحمانی باقی.

اگر آشفته جمال و دل بسته به ملکوت جلال نبود از برای او هر خوشی میسر بود زیرا به هر مملکتی میرفت این خطوط متنوعه سرمایه عظیم بود و فضاتلش واسطه حرمت و رعایت هر امیر و فقیر. ولی چون سرگشته و سودائی معشوق حقیقی بود از جمیع این قیود آزاد شد و در اوج نامتناهی پرواز داشت - عاقبت در غیاب این عبد از این جهان تارک و تنگ به عالم نورانی شتافت و در جوار رحمت کبری فیض نامتناهی یافت.

عليه التحية و الثناء و عليه الرحمة الكبرى من الرفیق الاعلیٰ.

اما در تاریخ ظهور الحق جناب فاضل مازندرانی در مورد مشکین قلم چنین توضیح داده است:

...دیگر مشکین قلم که سابقه احوالش را در بخش ششم نگاشتیم و پس از غروب شمس جمال ابهی در جوار حضرت عبدالبهاء زیست و مدتی در مصر اقامت جست و سفری نیز به هندوستان در سال ۱۳۲۳ کرد چند سنه ماند و حسب الامر عودت به عکا نمود. ایام حیات را به پایان برده در حدود سال ۱۳۳۰ به سن متجاوز از نود سالگی درگذشت و حکایات و اعمالی از ظرائف و لطائف شفاهیه اش و هم قطع خطوط زیبا و تصاویر رمزیه روحانیه اش که زیب بیوت اهل بیاء گردید متداول بین بهائیان شرق و غرب میباشد و خلفش میرزا علی اکبر در عکا شغل قنادی داشت.

جناب بالیوزی در کتاب (بهائیان سرشناس) در مورد مشکین قلم مینویسد:  
آنچه را که در ایران قرن نوزدهم بهترین و عالیترین فضائل به شمار میآید دارا بود: طبع شعر، قریحه ای سرشار، کلام و سخنی پر از ذوق و نکته دانی و سخن سنجی به حد کمال.

اما آنچه که به آن مشهور بود و او را میهمان گرامی دربارها و محافل سرشناسان میکرد هنر خطاطی بی نظیر او بود. قبل از آنکه در بغداد از نبیل اعظم و زین المقربین در مورد ظهور بشنود و ایمان آورد به طریقه صوفی نعمت

اللّٰهی بستگی داشت از بغداد به ایران بازنگشت بلکه عازم کوی جانان در ادرنه گردید.

هنگام سرگونی حضرت بهاء الله و همراهان به عکا، مشکین قلم وسه تن دیگر همراه با ازل به قبرس تبعید شدند. سرانجام در سال ۱۸۷۸ آزاد شد و توانست خود را به عکا برساند و در جوار محبوب عالمیان ساکن گردد. بعد از صعود حضرت بهاء الله وی عازم مصر و دمشق و هند گردید. در سال ۱۹۰۵ حضرت عبدالبهاء که از ضعف و کهنه وی آگاه شده بودند مشکین قلم را به ارض اقدس فرا خواندند و وی در همانجا در سال ۱۹۱۲ صعود نمود.

خطوط و قطعات متعددی از آثار خطاطی وی در دست است که پای برخی شعر ذیل را به جای امضاء نگاشته است:

در دیار خط شه صاحب قلم  
بنسده باب بهاء مشکین قلم.

\*\*\*

در تاریخ کواکب الدریه تحت عنوان (میرزا محمد حسین مشکین قلم اصفهانی شرح احوالی مذکور در خانمه آورده است:

...مدتی در هندوستان با یار و اغیار معاشر و کلمات حق را ناشر بود و چند کتاب از کتب اساسیه امر را از قبیل مقاله و ایقان و اقتدارات و اشراقات به خط خود نوشته و با چاپ سنگی مطبوع داشت و به امر مبارک منتشر ساخت و مراجعت به عکا کرد تا در سنه ۱۳۲۷ در عکا جهان را بدرود نمود در حالتی که قریب صد سال از سن شریفش میگذشت.

این مطلب هم که جناب دکتر محمد افغان در احوال مشکین قلم اضافه فرموده اند خواندنی است:

مشکین قلم حسب الامر حضرت عبدالبهاء به بمبئی رفت و روی صندوق مرمری که آقا سید مصطفی رانگونی و احباء دیگری برای استقرار در عرش مطهر حضرت نقطه اولی حاضر نموده بودند قطعات یا بهاء الابهی و یا علی الاعلی را مرقوم داشت و بر آن صندوق مقدس محکوک است. از پدرم شنیدم از حضور مبارک استدعا کرد که امضاء خودش را نیز بر روی سنگ بنویسد اجابت فرمودند و او نوشت بنده عبدالبهاء مشکین قلم. حضرت عبدالبهاء متغیر شدند و قطعاتی را که برای نمونه تهیه کرده بود گرفتند و فرمودند لازم نیست - به اقدام مبارک افتاد توبه کرد التماس نمود فرمودند: به یک شرط همان امضائی را که در ایام جمال قدم میگردی (بنده باب بهاء مشکین قلم) به این شرط آن اقدام ابدی را انجام داده است.

\*\*\*

عبدالمحمد خان ایرانی صاحب کتاب پیدایش خط و خطاطان تحت عنوان "مشکین قلم" نقل کرده است: ص ۲۵۶ میرزا محمد حسین مشکین قلم از مردم اصفهان بوده و در حسن خطوط هفت گانه یگانه زمان و از نوابخ دوران به شمار میرفته و اکنون خطوطش که در زیبایی بی نظیر است در کلیه سوریه و شامات و مصر زینت بخش کتب خانه هاست وفات او در سال ۱۳۳۰ ه مطابق ۶ کانون اول

۱۹۱۲ میلادی اتفاق افتاده.<sup>۱۰</sup>

صاحب کتاب احوال و آثار خوشنویسان ذیل شماره ۹۶۹ (محمد حسین اصفهانی مشکین قلم) مینویسد: «عبدالاحمد خان گوید که همه اقلام را خوش مینوشت و مدتها در عثمانی و مصر بود و به سال ۱۳۳۰ درگذشت نمونه خطوطش در کتاب پیدایش خط و خطاطان هست که نستعلیق نیم دو دانگ متوسط و شکسته تعلیق کتابت خوش است و چنین رقم و تاریخ دارد: (بنده باب بهاء مشکین قلم من شهر سنه ۱۳۰۵) که از کتابخانه نورالدین مصطفی نقل کرده است.

قطعه سیاه مشق با رقم محمد حسین مشکین قلم از او دارم تند و شیرین و ملیح نوشته، کتیبه های مقبره میرزا مسلم در جوار مزار سید حمزه در سرخاب تبریز که در روی کاغذ نگاشته و در زیر شیشه به دیوارهای مقبره زیر سقف به ترتیب الصاق و نصب گردیده به خط اوست...

و در پایان این فصل از آنچه آشنا و بیگانه درمورد مشکین قلم نوشته و گفته اند بر میآید که آن هنرمند بلند پایه سالهای متمادی در کمال خلوص و ارادت به خدمت و عبودیت پرداخته و هر روز با همتی جدید به تبلیغ و تحریر مشغول و در هیچ موردی قصور ننموده و اگر چه صاحبان تذکرهاى ساثره در معرفی حال و بیان حقیقت آثار عمداً آساک نموده و به اجمال و اختصار کوشیده اند ولی از آنجائیکه در رتبه اولی به عرفان الهی فائز و در رتبه ثانی به کمالات ظاهره نیز پیراسته، این فضیلت را به دست آورده که راه کمال را در هنر خوشنویسی ببیماید در بیشتر قطعات و ترکیباتی که از خود به یادگار گذاشته ابداع و ابتکار و قدرت و لطافت و در عین حال زیبایی و ملاحظت نهفته است و باید اذعان نمود که در ترکیب و تنظیم قطعات و تزئین آنها بی نظیر و یا کم نظیر بوده است.

چند قطعه از آثار نفیس ویرا که از مرکز جهانی بهائی واصل شده در این مجموعه ملاحظه میفرمائید.

\*\*\*

شرح احوال دیگر خوشنویسان بهائی که دار الانشاء بیت العدل اعظم مرقوم داشته اند بشرح ذیل:

زین المقریین، محب السلطان، عندلیب لاهیجی، نعیم سدهی، محمود زرقانی، طراز اله سمندری در رساله "خوشنویسان بهائی خواهد آمد.